



عبدالواسع غفاری

قانون و قانونیت در دوران مجاهدین

(حکومت صبغت الله مجددی و برهان الدین ربانی)

ثور ۱۳۷۱ یا اپریل ۱۹۹۲ الی میزان ۱۳۷۵ سپتامبر ۱۹۹۶

بخش نهم
قسمت دوم

حادثه 7 ثور 1357 گرچه تغییر نظام را که هدف آن رفاه و بهبود زندگی مردم زحمتکش در کشور ما بود، اما مسئولین حکومت آنوقت با تعقیب سیاستهای چپ افراطی که اکثراً مملو از قانون شکنی، کشتار، سلب حقوق و آزادیهای مردم بود، شرایط زندگی را برای یکتعداد اتباع کشور محدود ساخته و دارائیهای بعضی ملاکین و ثروتمندان را ضبط، مصادره و جزدارائی دولت نمودند. و سایر قانون شکنیها، تعداد قابل ملاحظه مردم که شامل دهقانان زحمتکشان ملاکان، دانشمندان و... بودند، در برابر مظالم حکومت وقت قیام نمودند و با دفاع از حقوق خویش به مبارزه و حتا میتوان گفت که آنان جهاد نمودند. در بخش هفتم قانون و قانونیت بین سالهای ۱۳۵۷ الی جدی ۱۳۵۸، در زمینه رعایت و عدم رعایت قانون با مثالهای مشخص، معلومات لازم ارائه گردیده است.

بهمین شکل در بخش هشتم قانون و قانونیت از جدی ۱۳۵۸ الی ثور ۱۳۷۱ از تحقق قانون و قانونیت در آن دوره و قانونشکنی با مثالهای مشخص توضیحات ارائه گردیده است. غصب قدرت و ظهور رژیم مجاهدین که مولود مداخلات مستقیم دول همسایه و سایر کشور های ذینفع در قضیه افغانستان، میانجیگری غیرمسئولانه و غرض آلود ملل متحد که توسط کارمندان آن اداره در موضوع به اصطلاح صلح افغانستان انجام دادند و اختلافات درونی

حزب (حزب دموکراتیک خلق افغانستان که بعداً به حزب وطن مسما گردید) نقش اساسی داشت. آغاز گردید.

هموطنان عزیز ما که این همه تخلفات و جنایات را بچشم خود دیدند و با گوشت و پوست خویش احساس نمودند. باید بدانند که چرا رهبران تنظیمها، قوماندانان و صفوف به اصطلاح مجاهدین مرتکب چنین اعمال شدند و میشوند. آنان در طول تقریباً ۱۳ سال که تحت نام جهاد مصرف جنگها بین خود و جنگ، تخریب، چور و چپاول، تجاوز وها به ... و بمقابل حکومت آنوقت بودند، از تربیه و تحصیل، علم و تمدن، شیوه حکومت داری، مناسبات و دوستی با اهالی منطقه، شهرو لایت فاصله داشتند و بصورت عموم در کوه ها، تپه ها سموچها و سایر مناطق مصروف تحقق اهداف مراجع رهبری کننده و اهداف شخصی خود بودند. تعداد هموطنانما دیگر ما که در خارج کشور مهاجر شده بودند، تحت فشار زندگی مهاجرت و تبلیغات کشورهای نیدخل در قضیه افغانستان قرار گرفته، مملو از عقده، بد بینی و حس انتقامجویی به مقابل کارمندان حزبی و غیر حزبی حکومت قبلی، بعد از ثور ۱۳۷۱ داخل کشور گردیدند و طبق همان روحیه فرا گرفته از ۱۳ سال جنگ در مرکز و ولایات کشور بصورت غیر مترقبه حکومت داری را بعهدہ گرفتند. عدم فهم و درک از قانون و نبود حاکمیت قانون در جامعه با موجودیت چنان کلتور دوره به اصطلاح جهاد، بر علاوه استفادہ سئو از قدرت دولتی، عامل بروز جنایات بیشتر و فراموش ناشدنی گردیدند آنان از یکطرف با روحیه نظم و قانون تربیه نشده بودند و از جانب دیگر از قانون و نظام یا حکومت قانون مطلع نبودند. گرچه با تصاحب قدرت در پرنسیپ عفو عمومی را اعلان کردند و گفتند که من بعد کشور طبق احکام شریعت اسلامی رهبری میگردد اما افسوس که جنایات شان بیشتر گردید و دوره حکومت شان ثابت نمودند که نه به اسلام و انسانیت معتقد اند و نه بوطن و مردم خویش علاقه دارند، تنها اسلام را روکش منافع شخصی و اهداف با داران شان قرار دادند و میدهند. اینک طور نمونه شمه از هزاران جنایات را که در قرا، قصبات، شهر و ولایات کشور مرتکب شدند بیان میدارم:

حکومت مجاهدین با حمله از جانب شمال و جنوب کشور بطرف شهر کابل با روحیه چور و چپاول، قتل و کشتار، ترور شخصیتها و غصب دارائیهای خصوصی و عامه بشمول کنجینه های ملی و فرهنگی و طنما موزیم ها و ... آغاز شد. چنانچه ریئس موزیمهای افغانستان ضمن مصاحبه بتاريخ چهارم ماه اگست سال ۲۰۱۱ گفت که در جنگها مجاهدین تقریباً ۷۰ فیصد اموال موزیمها بغارت برده شد. چنانچه جریان چور و چپاول دارائیهای عامه از طریق منابع اطلاعات جمعی و تلویزیونها در سراسر جهان پخش و به نمایش گذاشته شد. اکثر چپاول گران از پاکستان داخل کشور به خصوص شهر کابل شدند غارت و چپاول شامل اموال و دارائیهای دولتی (موزیمها، عراده جات دولتی و سرویسهای شهری با نمبر پلیت ترافیک افغانی، بشمول آمبولانسها و موترهای اطفائی، موبل و فرنیچر، فرشها و...) در شهرهای پاکستان بخصوص در پشاور، اسلام آباد، کویت و سایر شهرها انتقال گردید شاهدات عینی حکایت مینمایند که بر علاوه موبل و فرنیچر، فرشها و اکثر سامان آلات ادارات دولتی، ماشین آلات فابریکاتی که در حال تکمیل بودند و حتی سایر سامان آلات برقی را که زیر پلستر دیوارها نصب شده بود، جدا نموده بکشور تربیه شده شان که هدف عمده آنان از بین بردن اقتصاد کشور ما بود انتقال نمودند و صدها جنایت دیگر. آیا این اعمال جهاد گفته میشود؟ و آیا میتوانیم از قانون و قانونیت در این دوره نامبرد؟

هرگاه رهبران تنظیمها واقعاً بخاطر دین اسلام وکشورشان جهاد نموده بودند قبل از تصرف شهرها وبخصوص شهرکابل طبق احکام الهی واحادیث پیامبر اسلام بایددرجهت حفظ جان و امنیت مردم،جلوگیری ازاعمال صفوف تربیه نموده شان درطول چهارده سال جهاد با شناخت از اخلاق وکردار آنان،تدابیر لازم درجهت ایجاد نظم وقانون اتخاذ مینمودند.

اما افسوس که بصورت عموم خودرهبران درقتل وکشتار،تخریب،چوروچپاول بخاطر اشغال چوکی های دولتی ومناطق بیشتروبهترنقش اساسی داشتند.فلمهای مستند که رهبران عقب ماشیندارها ومواضع فیرراکتها نشسته اند وبالای همسنگران قبلی خویش فیرمینمودند وهزاران هموطنما شهید گردید ثابت کننده ادعایم میباشد.علاوتاً سازمان عفوبین المللی در سال ۱۹۹۵ میلادی تحقیقاتی تحت عنوان (افغانستان مسئولیت بخاطر فاجعه حقوق بشر) در هفت بخش شامل ۷۲ صفحه بعمل آورده که بخشهای مذکور عبارت اند از :

- ۱- پس منظر سیاسی
- ۲- مسئولیت جهانی
- ۳- قتلهای عمدی وخودسرانه
- ۴- آدم ربائی ها،باز داشتهای پنهانی وگروگان گیریها
- ۵- شکنجه وبدرفتاری
- ۶- زندانها وشرایط زندان
- ۷- نتیجه گیری ها وسفارشات

طورنمونه دربخش پنجم صفحه ۵۲ از شکنجه وبدرفتاری،تجاوزجنسی ولت وكوب، شکنجه درتوقیف،اعدامها وقطع اعضای بدن بصورت مستند با فوتو وتاریخ وقوع حادثه (مارچ ۱۹۹۳) توضیحات نسبتاً مفصل ارائه داشته اند. دربخش شکنجه وبد رفتاری آنان یک نمونه برای شما نقل قول مینمایم که: (درسالهای اخیرگروههای مسلح شیوه های نوین شکنجه را انکشاف داده اند - مانند اینکه گویا شیوه های استعمال برای سالها، بقدر کافی بد نبوده اند. یکی از شیوه های مخوف، مجبورساختن زندانیان به خوردن چیزی بوده است که گفته اند گوشت انسان است) یک راننده تکسی که سواری زنانه داشت در اوایل ۱۹۹۳ توسط افراد مسلح توقف داده شد.اوبه عفوبین المللی چنین اظهارداشت: « ما درناحیه کوه سنگی کابل که تحت کنترول حزب وحدت بود توقف داده شدیم،آنان مارادرخانه ایکه بحیث پایگاه خویش استفاده میکردند،بردند.ایشان کاغذی رابدست من دادند تابنویسم که موترخود رابه آنان فروخته ام. من انکارکردم وآنان تهدید کردندو مجبورخواهند ساخت تا گوشت انسان را بخورم، سپس آنان مرا مورد لت وكوب قراردادند ومن مجبورکاغذ راامضا کردم ولی ما را رها نکردند.بعد یکمقدارگوشت پخته آوردند ناچار یک توته آنرا خوردم وبعداً مریض شدم.آنان بعداً کاغذ دیگر بمن دادند که بنویسم آن زن همراه، خواهر من بود، و اینکه من وی را دربدل یکمقدارپول به ایشان فروخته ام.گفتم که من اینکار را نمیکم حتی اگر کشته شوم.آنان مرا لت وكوب کردند تااینکه قوماندان ایشان امرتوقف داد.ایشان مرا گفتند که بروید، هنگامیکه از زینه ها پائین میشدم از عقب آوازی شنیدم به عقب خودنگاه کرده، آن زن را ندیدم.اما بازتهدید کردند که بروم درغیر آن کشته خواهم شد.» .

درصفحه ۵۵ گذارش آمده که: (درجنگهای اخیر، تجاوز جنسی وشکنجه های دیگربه پیمانها هر چه وسیعتربرکار برده شده است. درماه مارچ ۱۹۹۵ نیروهای شورای نظار بر صدها خانه مردم ملکی درکارته سه،ناحیه جنوب غرب کابل، هجوم برده یکتعداد اعضای

خانواده ها را گشتند و یا مورد لت و کوب قرار دادند، اموال شان را به غارت بردند و برزنان تجاوز کردند، با یک فامیل در شهر کابل خبرنگاران خارجی مصاحبه کرد، اظهار داشتند که:

« سپاهیان رئیس جمهور ربانی گفته اند که آنان می خواهند خون هزاره ها را بنوشند »
کارمندان صحتی در منطقه تائید نمودند که در آنوقت اقلأ شش واقعه تجاوز به آنان مراجعه نمودند. اما اکثراً به اساس ملحوظات ننگ و غیرت و رسوائی در چنین حوادث به کارمندان صحتی و بخصوص در آنوقت مراجعه نمی کردند در حالیکه حوادث بیشتر از آن بود.
در بخش سوم که پرده از کشتارهای عمدی و مستبدانه این مجاهدین نماها برداشته در صفحه ۲۷ چنین تحریر داشته (... روزیکه با روزهای دیگر سال ۱۹۹۳ تفاوت نداشت، در از دحام مردمیکه منتظر بس بودند در یک لحظه راکتها فروریخت و طی چند ثانیه بیش از هشتاد تن هلاک شدند، سه تن از شاهدان درباره بیتفاوتی مسئولین که وظیفه امنیت را بدوش داشتند بیان نمودند که « بلا فاصله بعد از وقوع حادثه نگهبانان مسلح مجاهدین که منطقه را تحت اداره خویش داشتند وارد صحنه شده، اجساد کشته شده گان را مورد جستجو قرار دادند، پول و اشیای گرانبهای ایشان را با خود بردند. » (این چه نوع جهاد گفته میشود ؟

بهمین شکل شوهر یک خانم در حادثه انفجاری کشته شد و دارای سه طفل بین سنین دو الی نه ساله بود. روزی آن خانم جهت خریداری نان برای اطفال طرف بازار رفت در طول راه توسط دو تن مجاهد نما دستگیر و به پایگاه خود بردند در آنجا ۲۲ مجاهد دیگر زنده گی میکرد در طول سه شبانه روز به آن مادر سه طفل توسط آنان تجاوز صورت گرفت ، تا آنکه زن از حال رفت و رهایش کردند و به حالت فجیع به خانه برگشت، وقتیکه داخل خانه شد مشاهده نمود که سه طفلش از گرسنگی و سردی هوا مرده اند. (آیا این عمل شان جهاد بود ؟)

و انواع جنایات مختلف و متعدد که در تاریخ بشریت نمونه های آن ثبت نگردیده توسط گروپ های درگیر صورت گرفته که شامل قتل یک فرد در مقابل اعضای فامیلش، قتل طفل با شکستادن گردنش در مقابل فامیل، تجاوز جنسی زنان و دختران در مقابل اعضای فامیلش و... که توسط اکثر گروپها در مرکز و ولایات صورت گرفته .

چند نمونه دیگر از اعمال خلاف قانون سطوح رهبری قوماندانان جهادی رژیم یاد آور شد.
- چور و چپاول اموال و تجاوز به ناموس یکتعداد هموطنان شریف اهل هنود کشور ما به خصوص در منطقه کارته پروان و گردنه باغ بالا شهر کابل.

- در مرحله اولی حکومت مجاهدین که جناب آقای مجددی رئیس دولت بود، جنگ در شهر کابل بر سر بدست آوردن غنایم و ساحه وسیعتر حکمروائی هر تنظیم کوچه به کوچه شهر کابل شروع شد. اختلافات شدید رهبران تنظیمها بر سر قدرت منجر به جنگهای خیلی شدید گردید. و هر تنظیم جهت تصاحب یک منطقه شهر کابل و وزارت مورد نظر اقدام به جنگهای چرنیکی کردند که از جنگهای نقاط مرکزی شهر مانند چهاراهی صدارت، مکرویانها، افشار، خوشحال مینه، میرویس میدان، قلعه شاده، دشت برچی، سید نور محمد شاه مینه و غیره میتوان نامبرد که ذریعه سلاحهای ثقیل و خفیف از بلندیهای شهر کابل این مجاهدین هزاران ساکنین شهر کابل را شهید و صدها هزار دیگر معیوب و مهاجر در شهرها و کشورهای همسایه گردیدند .

آیابا موجودیت چنین وضعیت ویا حالت تجاوز به حقوق اتباع کشور وکشتار را میتوان از موجودیت نظام یا حکومت یادآور شد؟.

- بعد از دوره کوتاه مدت، حکومت برهان الدین ربانی جانشین حکومت مجددی گردید و گلبدین حکمتیار که بحیث صدراعظم تعیین شده بود باید ایفای وظیفه میکرد اما آقای گلبدین حاضر نگردید تا جهت خدمت بمردم مسلمان و بلاکشیده افغانستان که به نظر جناب شان در طول چهار رده سال تحت ظلم و ستم کمونستها و روسها قرار داشتند، به کابل پایتخت کشور آمده و با سایر برادران جهادی خود حکومت اید حال اسلامی را که هدف آن آبادی، پیشرفت کشور و بهبود زندگی مردم باشد و از جمله وظایف انسانی و اسلامی شان میباشد انجام دهد. برعکس در جنوب شهر کابل، بخاطر قتل و کشتار مردم رنج دیده کشور سنگر گرفت و باشلیک هزاران راکت (اگر خبرنگاران، نویسنده گان و ساکنین شهر کابل در رقم راکتهای پرتاب شده غلو نه نموده باشند) در حدود پنجهزار راکت را بالای شهر کابل فرو ریخت با تذکر اینکه چنین رقم بلند فیر سلاح ثقیل در مدت زمان کوتاه، کمتر ثبت تاریخ گردیده و حتا یهودان علیه مردم مسلمان فلسطین نیز چنین جنایت را مرتکب نگردیده اند. به اساس ارقام بدست آمده که توسط اورگانهای ملل متحد تأیید شده است در این حوادث بیش از شصت هزار همشهریان کابل شهید و تعداد بیشتر از این رقم معیوب و معلول گردیدند.

این اعمال آقای گلبدین و پیروانش را از نگاه انسانیت، اسلامیت، حقوق بشر و سایر قوانین چه می نامید؟
آیا مجاهد واقعی که شمه نی از انسانیت و اسلامیت را آموخته باشد اقدام به چنین عمل غیر انسانی و غیر اسلامی مینماید؟.

این عملکردها ثابت میسازد که نه تنها که حکومت و قانون وجود نداشت بلکه در دوره بربریت نیز هیچ انسانی با چنین قساوت قلب مرتکب چنین جنایات نگردیده.

- نمونه دیگر از سوءاستفاده: یک تعداد تجاران ملی کشور با قبول خطر جانی تصمیم گرفتند که جهت قطع جنگ و خونریزی، آتش بست بین رهبران تنظیمها داخل اقدام شوند، همان بود که چندین تاجر ملی حامل پیام جناب مجددی برای گلبدین حکمتیار عازم چهار آسیاب کابل گردیدند. تا حدودی صحبت و ملاقاتهای نزدیک شان نتیجه مثبت داد. تجار ملی بانظر داشت وضعیت جنگی شهر کابل خواستند تا یک مقدار پول را به حکومت کمک نمایند. یکصد و بیست دو ملیون افغانی جمع و ذریعه چک بانک به دفتر جناب مجددی تسلیم دادند ساعتی بعد از تسلیمی چک، سکرتر جناب مجددی به تاجر یک از حساب بانکی اش آن چک نوشته شده بود تیلفون نمود و گفت که چک کمکی را بنام جناب مجددی صاحب تحریر دارید و چنین هم شد.

- مثال دیگر از چور و غصب دارای عامه: به اساس معلومات یکی از روسای بانکهای آن رژیم، چون دولت پشتوانه دالری و اعتبار در سطح بین المللی نسبت بی امنیتی، چور و چپاول نداشت، چنین موافقه بعمل آمده بود که ماهانه دالرهای ذخیره شده بانک مرکزی به بانک مربوطه دوی انتقال شود، درین مرتبه مبلغ پانزده ملیون و هفتصد هزار دالر باید انتقال میشد،

نسبت اینکه میدان هوایی شهر کابل تحت ضربات راکتی صدراعظم رژیم جناب حکمتیار قرار داشت، طیارات باید از میدان هوایی بگرام بطرف دوبی پرواز میکرد. اما نسبت بعضی ملحوظات تا ساعت چهار بجه عصر اجازه پرواز داده نشد. مسئول هیات که همان رئیس بانک بود با مسئولین میدان هوایی بگرام به تماس شدند که باید پرواز بطرف دبی صورت گیرد آنان در جواب گفتند که امر صاحب (جناب احمد شاه مسعود) هدایت داده که پرواز بعداً یعنی فردا صورت گیرد با اساس هدایت امر صاحب، «نسبت ناامنی راه بگرام - کابل باید پول را به مسئولین میدان هوایی تسلیم دهند» مسئول هیات بانظر داشت حفظ جان خود و... مجبور شد تا پول را به موظفین میدان هوایی بگرام تسلیم نمایند. بعد از تسلیمی پول طبق هدایت مسئولین، مجبور به ترک میدان هوایی بگرام گردیدند. فردای آن روز رئیس هیات موضوع را بمقام ریاست دولت (جناب پرهان الدین ربانی) اطلاع دادند، لحظه ئی بعد جواب حاصل نمود که پول مذکور برای خریدالبسه سربازان بوزارت دفاع طبق هدایت وزیر دفاع گرفته شد، بدون کدام سند قانونی. این نمونه دیگر از سوء استفاده رهبران جهادی بود که بالوسیله قدرت دولتی صورت میگرفت.

- در سال اول ریاست دولت آقای ربانی، در روز عید یکی از قوماندانان جهادی بعد از ختم نماز عید و عید مبارکی به آقای ربانی عرض حال و مشکلات اقتصادی نمود در همان لحظه نزد جناب رئیس دولت کاغذ سفید وجود نداشت، در زر ورق سکریت جناب رئیس دولت آقای ربانی چنین امر به ریاست دافغانستان بانک داده بود: (برای برادر مجاهد مبلغ یک میلیون و پنجمصد هزار افغانی داده شود. محل امضا).

صدها سوء استفاده دیگر از دارائی های عامه (بیت المال) به این شکل و اشکال دیگر که به اصطلاح عامیانه از کیسه خلیفه میبخشیدند.

در صفحه ۳۰ گذارش عفوبین المللی آمده که: افراد مسلح جناحهای جنگ مجاهدین هزاران غیر نظامی را بطور عمدی و مستبدانه از فاصله های نزدیک به قتل رسانده اند. انگیزه ها برای چنین کشتارها متعدد و مختلف است که شامل مخاصمت های قومی، مذهبی، نفرت از اشخاص تعلیم یافته و آزاد اندیش و یا کارمندان دولت قبلی بود. چون دولت در عمل وجود نداشت و حمایت از مردم صورت نمیگرفت و عملاً دولت در ترورها دخیل بود این جنایات در مرکز و ولایات جریان داشت که میتوان از ترور کادر های رژیم قبلی که رهبران تنظیمها در آن نقش داشتند یا آورد: - ترور جنرال عبدالحق علومی - ترور عبدالکریم شادان رئیس ستره محکمه - ترور (گردنهای بریده خانم و اطفال) دکتور صالح محمد زیری در اپارتمان شان واقع بلاک های مکرویان کابل و سپس اپارتمان شان توسط یکی از وزیران رژیم غصب گردید. ترور عبدالله کارمند دولت قبلی با فامیلش در مکرویان کابل. - قتل کارمند عالی رتبه وزارت خارجه در محضر عام به داخل وزارت خارجه، ابتدا ذریعه لگد از زینه لول داده شد و بعد در دهلیز وزارت گلویزش را ذریعه برچه کلشیکوف بریدند.

- ترور جمال الدین عمر سنا تور در منطقه خیرخانه حینکه طرف مسجد جهت ادای نماز میرفت .

وصدها ترور در مرکز و ولایات کشور، با آنکه عاملین ترورها مشخص بود هر گز اقدام به بررسی قضایا و دستگیری فاعلین آن اقدام صورت نگرفت چراکه اکثراً به اساس هدایت ویا اشاره رهبران و قوماندانان جهادی صورت میگرفت. صدها مثالها در زمینه وجود دارد. دگروال محمدیوسف مسئول بخش فعالیتها و عملیاتیهای (آی اس آی) در امور افغانستان در کتابی بنام تلک خرس بصورت مفصل و مستند ، مداخلات پاکستان ، امریکا ، دول غرب ، کشورهای عربی و همسایه های وطن ما، حتی کمک دولت اسرائیل که دشمن جهان اسلام میباشد را به مجاهدین توضیح نموده و هم از ایجاد کمپهای نظامی را در خاک چین معلومات مفصل ارائه نموده و ماهیت اصلی رهبران تنظیمها و اهداف شوم دولت پاکستان را در قبال افغانستان برملا نموده است. که به اساس هدایات ای - اس - آی همیشه باید در افغانستان به خصوص در شهر کابل جنگ شعله ور باشد. و....). این شعله و رنگهداشتن جنگ در کابل توسط کی صورت میگرفت و چه حوادث در قبال داشت، معلومدار است که توسط مجاهدین جنگها شعله و ربود و عواقب آن قتل، کشتار هموطنانما و ویرانی کشور !

ارائه مطلب فوق بیانگر ماهیت ، اهداف ، ساختار ، خصلت کادرها و شیوه عملکرد آن نظام را میباشد، که وطنما افغانستان را تخریب و به ویرانه تبدیل نمود و سلسله آن کشتارها، جنایات با اشکال و شیوه های مختلف ادامه پیدا نمود. قانون شکنی و فراموش نمودن قانون و قانونیت، قوس سعودی را پیمود و قانون جنگل در کشور ما حکمفرما گردید.

همچنان جنایات نابخشودنی را که رهبران تنظیمها مرتکب شده اند به هیچ وجه قابل بخشش نیست، آنان بودند که به ابتکار قوماندانان خویش انواع شکنجه و توهین را ثبت تاریخ بشریت نمودند (مانند رقص مرده ، پختن شوربای سینه زنان کشورما ، زایاندن جبری زنان در ملای عام جهت تماشا و خوش گذرانی ، کوبیدن میخ بر کله انسان ، خسی کردن مردان، جنایات و کشتار گروهی و دسته جمعی در کابل مانند مناطق افشار ، دشت برچی، کارته سه ، کارته نو... بهمین شکل در ولایات کشور را زیر نام قوم، لسان ، مذهب و.... شروع و ادامه دادند). .

اسناد و شواهد بیشتر در زمینه جنایات سایر رهبران و قوماندانان مانند حقانی، سیاف ، محسنی، انوری و خلاصه در هر شهر و قریه وجود دارد. با تذکر اینکه عواقب و پیامد های بعدی این فجایع باید متذکر شد که تا حال تعداد قابل ملاحظه همان کادر ها در دستگاه فعلی دولت مصروف میباشد که در بخشهای دهم و یازدهم آنرا مورد بررسی قرار خواهیم داد. به امید ایجاد حکومت قانون و تحقق قانونیت در کشورما افغانستان.

با احترام
عبدالواسع غفاری